

---

## تبیین مستندات قرآنی و روایی معیار معنویت و تقوی در بیانیه گام دوم انقلاب

---

محمد جواد سامی<sup>۱</sup>  
علیرضا خنشا<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

### چکیده

در دنیای کنونی فراموشی ایمان و معنویت، سبب شده که علم و ثروت، به ضرر عموم جهانیان در اختیار گروهی خاص قرار گیرد و آنها نسبت به سوء استفاده از آن اقدام نمایند. همچنین نحوه زندگی ماشینی کنونی بخاطر فراموشی بعد روحی و اخلاقی انسان، سبب انواع بیماریهای روحی و جسمی بشر شده است. در واقع تمدن‌های کنونی بعلت فقدان امور معنوی، ضامن رسیدن تمامی انسانها به سعادت و رستگاری واقعی نیستند. این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به تبیین مستندات قرآنی و روایی معیار معنویت و تقوی در بیانیه گام دوم انقلاب به هدف تحلیل نقش معنویت در تمدن جهانی اسلام پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد از آنجا که اسلام دینی جامع و فراگیر می‌باشد، لذا از

---

۱. دانشیار موسسه آموزش عالی آپادانا شیراز [ali.khonsha@gmail.com](mailto:ali.khonsha@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه شهید چمران اهواز [akhonsha@yahoo.com](mailto:akhonsha@yahoo.com)

ایمان و تقوی، اخلاق و معنویت، به عنوان معیار برای قبول مسولیت انسان در تمام زمینه‌ها یاد می‌نماید و امر معنویت و تقوی در کنار علم، سبب توسعه و پیشرفت جامعه انسانی و رسیدن به سعادت و رستگاری واقعی و همه جانبه در دنیا و آخرت می‌گردد. **واژگان کلیدی:** اسلام، ایمان، تقوی، تمدن، رستگاری، بیانیه گام دوم انقلاب.

## مقدمه

در تمدن‌های امروزی، مادیات در زندگی انسانها، معنویات را تحت الشعاع قرار داده و جلب شدن حواس به مادیات و زیاده روی در آن، سبب انحراف از اعتدال در زندگی گردیده، که خود باعث انواع مشکلات مانند فقر، ظلم و عدم پیشرفت همه انسانها گردیده است.

## ۱.۱. طرح مساله

یکی از مواردی که عقل حکم به ضرورت آن می‌کند تشکیل حکومت به منظور حفظ نظم و امنیت است. اما هر حکومتی بر اساس مبانی فکری و نظری خاص به خود دارای اهدافی است و بر اساس همین اهداف، برای مردم و حاکمان خود شرایط و ویژگی‌هایی قایل می‌شود. رهبری حکومت اسلامی هم دارای مقررات و شرایطی است که از جمله آن تقوی و پرهیزکاری است.

آیین پاک اسلام، آخرین دین آسمانی و به همین جهت کامل‌ترین ادیان است. در این دین، حقایق و معارف عالی و مقررات اخلاقی به بهترین وجه بیان شده و به کار بستن آنها، سعادت و نیکبختی بشریت را تامین می‌کند. سوالاتی در این باره مطرح می‌باشد:

- در بیانیه گام دوم انقلاب، به چه میزان به معیار معنویت و تقوی اشاره شده است؟

- آیا این معیار دارای مستندات قرآنی و روایی می‌باشد؟ به چه صورت؟

- هدف از طرح مساله تقوی در این بیانیه و در تمدن عظیم اسلامی چیست؟

## ۲.۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجا که مقام معظم رهبری در بیانیه دوم انقلاب به نقش معنویت و خودسازی در تمدن اسلامی اهمیت داده و می‌فرماید: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد

کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوهی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی، تنظیم و اجرا شود» و نیز ایشان در اکثر سخنرانی‌ها و پیام‌هایشان بر خودسازی و رعایت پرهیزگاری سفارش فراوانی نموده‌اند و نظر به نقش مهم تقوی در پیشرفت همه‌جانبه جامعه انسانی، در تلاش شدیم تا به بررسی و تبیین مستندات قرآنی و روایی این مهم پرداخته و زوایای مختلف آن را مشخص کنیم تا به این وسیله قدمی کوچک در راه تحقق اهداف آن بیانیه در راه رسیدن به تمدن جهانی نوین اسلام برداشته شود. انشاءالله

### ۳.۱. پیشینه و روش کار:

در ارتباط با اهمیت تقوی و نقش آن در سعادت انسان، تاکنون کتابهای اخلاقی زیادی در این مورد نگاشته شده، اما درباره مستندات قرآنی آن در بیانیه گام دوم انقلاب کار چندانی صورت نگرفته است.

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی توصیفی بر روی داده‌های آماری که از قرآن، روایات، کتب تفسیری و حدیث و بیانیه گام دوم و غیره شامل می‌باشد، صورت گرفته است.

### ۲. شرح

در اسلام زیربنای تمام دستورات، اخلاقی است. زیرا فراموش کردن اخلاق پسندیده و وضع قوانین تنها به منظور منافع مادی، جامعه بشری را به تدریج به قهقراء و بدبختی می‌کشاند و معنویت را که تنها وجه برتری انسان بر دیگر حیوانات است، از دستشان می‌گیرد و به جای آن خوی درندگی را جانشین می‌کند. بخاطر اهمیت اخلاق و تقوی است که پیامبر رحمت فرمودند: «انما بعثت لاتمم مکارم اخلاق» (طبرسی، ۱۳۷۷ش: ۸). مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب با تاکید بر نقش معنویت و تقوی، آنرا جزء سرفصلهای هفت گانه برای پیشرفت و رسیدن به تمدن نوین اسلامی قرار می‌دهد و می‌فرماید: «معنویت و اخلاق: معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند» (ر. ک: بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

## ۱.۲. تعریف و واژه‌شناسی ایمان و تقوی

### الف) معنای لغوی

تقوا، از مصدر وقایه و ریشه «وقی»، در لغت به معنای «حفظ کردن و نگاه داشتن از بدی و گزند» است. وقایه و وقاء حفظ شیء است از آنچه اذیت و ضرر میرساند یعنی تقوی آنست که خود را از شیء مخوف در وقایه و حفظ قرار دهیم، این حقیقت تقوی است (راغب ۸۸۱/۱؛ ابن منظور: ۴۰۱/۱۵) فَمَنْ أَلَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَّانَا عَذَابَ السَّمُومِ (طور/ ۲۷). خدا بما منت گذاشت و از عذاب نافذ حفظ کرد و در امان داشت. گفته‌اند این کلمه در اصل «وقوی» بوده که واو آن به تاء تبدیل شده است. اسم فاعل آن، تقی و مُتَّقِی به معنای «صاحب تقوا»

است. (فراهیدی، ج ۵، ص ۲۳۹؛ طریحی، ۴۴۹/۱)  
مُتَّقَى وَ تَقَى: هر دو بمعنی تقوی کار و پرهیزکار است «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/۱۷۷) و «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا» (مریم/۶۳) (قاموس قرآن، ج ۷، ص ۲۳۷).

#### ایمان:

از ریشه «ا م ن» به معنای تسلیم توأم با اطمینان خاطر است. علامه طباطبایی در المیزان آنرا استقرار اعتقاد در قلب معنی کرده و راغب تصدیق توأم با اطمینان خاطر گفته است. اما بهترین معنای آن همان تسلیم است (قرشی، ج ۱، ص: ۱۲۵).  
معنویت: آنچه مخالف مادیات است، حالت نفس و باطن (فرهنگ ابجدی، ص ۸۴۲).

در روایات نیز به تعریف تقوی و تفسیر آن اشاره شده است مانند:

رسول خدا ﷺ می فرماید: «تمام التقوی أن تتعلم ما جهلت و تعمل بما علمت» (ورام حلی، ۱۳۷۶ ش: ۱۲۰/۲)؛ کامل ترین تقوا این است که آنچه را از احکام خدا می دانی عمل کنی و آنچه را که نمی دانی به دنبال یادگرفتن آن برآیی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: «من ملك شهوته كان تقيا» (آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۵۹۹) یعنی اگر توانستی بر شهوات نفس مسلط شوی انسان با تقوا هستی. شهوت منحصر به شهوت جنسی نیست بلکه شهوت مقام، ثروت و شهوت عیش و نوش و غیره را نیز شامل می شود.

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَتَقَى النَّاسِ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَعَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۲۸۸/۶۷)؛ کسی که دنبال حق باشد چه به نفع او باشد و چه به زیان او حتی اگر به زیان برادر و یا جناح سیاسی او باشد بگوید او باتقواترین مردم است.

#### ب) ریشه یابی در قرآن

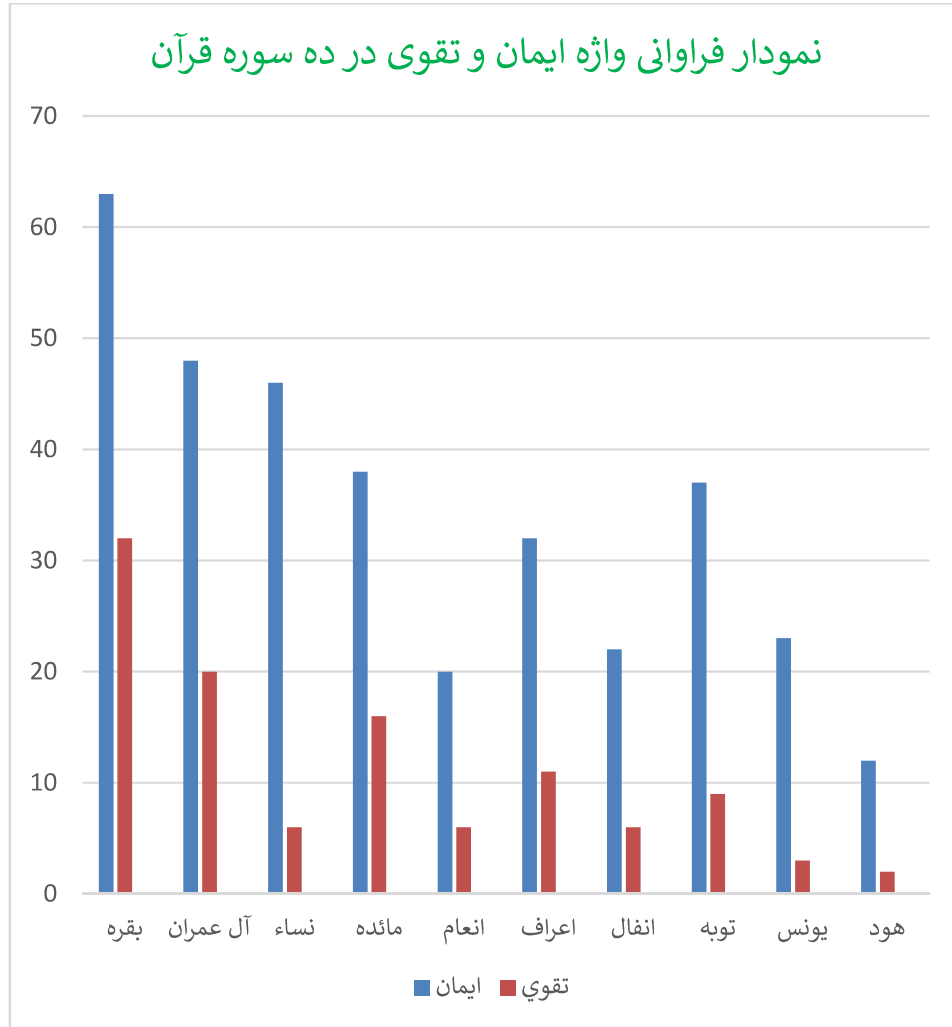
همانطور که گفتیم تقوی از ریشه وقی است. واژه «وقی» به صورت اسمی و فعلی، ۲۵۸ مورد در قرآن بکار رفته است، در ۶۳ سوره و ۲۳۷ آیه. نیز واژه «امن» هم به صورت اسمی و فعلی در ۸۷۹ بار در ۷۷ سوره و ۷۲۳ آیه بکار رفته است و این فراوانی کاربرد، نشان از اهمیت ایمان و تقوی در نظام جهانی اسلام دارد. در زیر جدول و نمودار کاربرد این دو واژه در ۱۰ سوره ابتدایی قرآن مجید (حدود ۱۲ جزء) به ترسیم درآمده است:

جدول ۱. مقایسه دو واژه ایمان و تقوی در ده سوره ابتدایی قرآن

سوره / واژه	امن	وقی
بقره	۶۳	۳۲
آل عمران	۴۸	۲۰
النساء	۴۶	۶
المائده	۳۸	۱۶
الانعام	۲۰	۶
الاعراف	۳۲	۱۱
الانفال	۲۲	۶
التوبه	۳۷	۹
یونس	۲۳	۳
هود	۱۲	۲



نمودار ۱. نمودار مقایسه ایمان و تقوی در ده سوره ابتدایی قرآن کریم



### ج - برداشتها از جدول و نمودار:

- فراوانی کاربرد دو واژه ایمان و تقوی نشان از اهمیت فراوانش در تمدن اسلامی و ضرورت آن جهت فلاح و رستگاری نوع بشر دارد و این تایید کننده دیدگاه مقام معظم رهبری درباره نقش معنویت در بیانیه گام دوم انقلاب می باشد.

- یکی از پر کاربردترین اصلاحات قرآنی «یا ایها الذین آمنوا... اتقوا الله...» می باشد و این نشان از ضرورت رعایت آن به بهترین وجه در دولت و تمدن اسلامی دارد.

- حدودا واژه «آمنوا» ۳ تا ۴ برابر واژه «تقوی» به کار رفته، که خود می تواند نشان از گستردگی و عمومیت واژه «امن» و اختصاصی یا تخصیص واژه «تقوی» باشد.

- این نسبت شاید بگوید که تمام کسانی که ایمان آورده اند متقی نمی باشند و خداوند آنها را به رعایت پرهیزگاری و تقوی دعوت نموده است.

### ۲.۲. آیات کلیدی یا غرر در مبحث تقوی

آیات غرر، به آیتی از قرآن مجید گویند که به دلیل دارا بودن ویژگی های برجسته‌ی محتوایی و بیانی، مرجعیت و جامعیت خاصی در تبیین آموزه های قرآنی یافته اند (راد، ۱۳۹۴: ۲۵). نظر به اهمیت موضوع تقوی، در قرآن کریم آیت فراوانی در این باره وجود دارد، که برخی از آنها را بعلت جامعیت و مرجعیت می توان به آیات غرر تقوی نامگذاری نمود.

الف) تشبیه تقوی به لباس و پوشش:

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (اعراف/۲۶)؛ در این آیه تقوا به یک لباس تشبیه شده است و خداوند می فرماید: (وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ) یعنی لباس تقوا از هر لباس برتر است و از هر زر و زیوری برای آراستن انسان زیباتر می باشد. لباس سه فایده مهم دارد: اول اینکه عیوب انسان را می پوشاند. اگر در بدن عیوبی باشد به وسیله لباس پوشانده می شود. دوم اینکه زینتی برای انسان است؛ انسان برهنه بد نما است ولی به وسیله لباس های مختلف و گوناگون در حدی که اسراف نباشد می تواند خود را بیاراید. در روایات دستور داده شده است

که لباس خوب بر تن کنید. مخصوصاً قرآن می‌فرماید: وقتی به مسجد می‌آیید و به نماز جماعت حاضر می‌شوید لباس خوب را بر تن کنید. سوم اینکه لباس، یک سپر محافظ است. اگر انسان لخت و برهنه باشد هر روز بدنش بر اثر اصابت به دیوار و غیره مجروح می‌شود. در آیه‌ی فوق نیز لباس تقوا که لباس معنوی است همین سه اثر را دارد. تقوا هم عیوب معنوی انسان را می‌پوشاند و هم انسان را زیبا می‌کند و هم انسان را در برابر آسیب‌های اخلاقی حفظ می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳۳/۶).

ب) حق تقوی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا آن طور که شایسته اوست پروا کنید و زنده بمانید با حالت اسلام بمیرید (آل عمران/۱۰۲)

تقوا عبارت است از امتثال اوامر خدای تعالی، و اجتناب از آنچه که از ارتکاب آن نهی فرموده، و شکر در برابر نعمتهایش و صبر در هنگام ابتلاء به بلایش، و سخن کوتاه اینکه، تقوای خدای سبحان عبارت است از اینکه، خدای تعالی اطاعت بشود و معصیت نشود. و بنده او در همه احوال برای او خاضع گردد. چه اینکه او نعمتش بدهد و چه اینکه ندهد. این معنای کلمه "تقوا" بود. ولی اگر این کلمه با قید "حق تقوا" اعتبار شود با در نظر گرفتن اینکه حق التقوی، آن تقوایی است که مشوب با باطل و فاسدی از سنخ خودش نباشد. قهرا حق التقوی عبارت خواهد شد از عبودیت خالص، عبودیتی که مخلوط با انانیت و غفلت نباشد. ساده‌تر بگوییم: عبارت خواهد شد از پرستش خدای تعالی فقط بدون اینکه مخلوط باشد با پرستش هوای خویش، و یا غفلت از مقام ربوبی. و چنین پرستشی عبارت است از اطاعت بدون معصیت و شکر بدون کفران و این حالت، همان اسلام حقیقی است البته درجه عالی از اسلام. و بنابراین، برگشت معنای جمله: "و لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ" همانند این است که فرموده باشد: این حالت را یعنی حق التقوی را هم چنان حفظ کنید تا مرگتان فرارسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶۹/۸).

ج) تقوی و عاقبت نگری:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (حشر/۱۸)؛ ای آن کسانی که ایمان آورده‌اید بترسید از خدا و باید هر کسی نگاه کند و ببیند چه چیزی برای روز قیامتش مقدّم داشته است و معنایش اینست که هر کسی باید اندیشه کند که چه چیز برای خودش مقدّم داشته آیا عمل شایسته‌ای که او را نجات دهد یا عمل بدی که او را هلاک و پست نماید چون که عمل وارد بر او می‌شود. قتاده گوید: بدرستی که پروردگارتان قیامت را نزدیک نمود تا جایی که آن را مانند فرد قرار داد و امر نمود شما را باندیشه کردن و تفکر در آنچه مقدّم میدارید. (وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ) بترسید از خدا زیرا که او بآنچه می‌کنید آگاهی دارد و امر بتقوی را مکرر نمود برای اینکه تقوای اوّل برای توبه از گناهان گذشته است و تقوای دوّم برای پرهیز کردن از گناهان در آینده. و بعضی گویند: تقوای دوّم تأکید تقوای اوّل است (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۳۹۸/۹).

د) با فضیلت ترین افراد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حشر/۱۳)

قرآن مجید بعد از آن که بزرگترین مایه مباهات و مفاخره عصر جاهلی یعنی نسب و قبیله را از کار می‌اندازد، به سراغ معیار واقعی ارزشی رفته می‌افزاید: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ). به این ترتیب قلم سرخ بر تمام امتیازات ظاهری و مادی کشیده، و اصالت و واقعیت را به مسأله تقوا و پرهیزکاری و خدا ترسی می‌دهد، و می‌گوید: برای تقرب به خدا و نزدیکی به ساحت مقدس او هیچ امتیازی جز تقوا مؤثر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱۹۸/۲۲)

با کمی تدبیر متوجه می‌شویم، آن مزیتی که مزیت حقیقی است و آدمی را بالا می‌برد، و به سعادت حقیقیش که همان زندگی طیبه و ابدی در جوار رحمت پروردگار است می‌رساند، عبارت است از تقوی و پروای از خدا. آری، تنها و تنها وسیله برای رسیدن به سعادت آخرت

همان تقوی است که به طفیل سعادت آخرت سعادت دنیا را هم تامین می‌کند، و لذا خدای تعالی فرموده " تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ" (انفال/۶۷) و نیز فرموده " وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى" (بقره/۱۹۷)، و وقتی یگانه مزیت تقوی باشد، قهرا گرامی‌ترین مردم نزد خدا با تقوی‌ترین ایشان است، هم چنان که در آیه مورد بحث هم همین را فرموده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۲۷/۱۸).

### ۲.۳. آثار معنویت و تقوا در قرآن

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در باره آثار معنویت و تقوا در کشور می‌فرماید: «رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد... مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است». (بیانیه گام دوم انقلاب

(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

در قرآن فلسفه‌ی بسیاری از احکام نظیر روزه هم بنا بر آنچه خداوند فرموده است تقوا است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

(بقره/۱۸۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید». آثار دنیوی که برای تقوا در قرآن ذکر شده است، به سه گروه تقسیم می‌گردد: آثار دنیوی، آثار اخروی و آثار مستمر.

### ۳.۲-۱. آثار دنیوی

الف) خداوند به کسی که تقوا داشته باشد، از راهی که به حساب نمی‌آورد، روزی می‌دهد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق/۲ و ۳)؛ و هر کس خدا ترس شود، خدا راه بیرون شدن را بر او می‌گشاید و از جایی که گمان نبرد، به او روزی عطا کند.

ب) هدایت قرآن نصیب افراد با تقوا می‌گردد: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲)؛ این کتاب بی‌هیچ شک، راهنمای پرهیزکاران است.

ج) کسانی که تقوا ورزند، خدا درهای برکات آسمان و زمین را بر آنان باز می‌کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف/۹۶)؛ و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم. یعنی اگر افرادی که در نقاط زمین زندگی می‌کنند تقوا پیشه کنند ما برکات آسمان و زمین را بر آنها نازل می‌کنیم. از آسمان باران فراوان نازل می‌شود و از زمین نیز گلها و گیاهان و انواع روزی‌ها می‌روید. البته برکات زمین منحصر به این موارد نیست بلکه معادنی که در زمین است را نیز شامل می‌شود.

### ۳.۲-۲. آثار اخروی

الف) نجات از آتش

«ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا» (مریم/۷۲)؛ پس از ورود همه در دوزخ، ما افرادی را که خدا ترس و با تقوا بوده‌اند، از جهنم نجات خواهیم داد و ستمکاران را فروگذاریم تا در آن آتش به زانو درافتند.

ب) کسب رضایت الهی و بهشت:

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ» (طور/۱۷)؛ متقیان هم امروز در باغ‌های بهشت پرنعمت اند.

«فَأَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (بقره/۱۹۷)؛ بهترین توشه این راه تقواست.

ج) قبولی اعمال و رسیدن به سعادت حقیقی

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده/۲۷)؛ خدا قربانی متقیان را خواهد پذیرفت.

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفِرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَعْظُمْ لَهُ أَجْرًا» (طلاق/۵)؛ و هر که از خدا بترسد،

خدا گناهانش را بپوشاند و او را پاداش بزرگ عطا کند.

### ۳.۲ - ۳. آثار مستمر

الف) یکی از پیامدهای رعایت تقوی، فلاح و رستگاری انسان است: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و به او تقرب جوید و در راهش جهاد کنید. باشد که رستگار گردید. این معنا در آیات دیگر از قبیل: آل عمران/۱۳۰ و ۲۰۰؛ بقره/۱۸۹؛ انعام/۱۵۵؛ اعراف/۱۲۸؛ یس/۴۵ به آن اشاره شده است.

ب) رعایت تقوا آثار مستمر معنوی فراوانی نظیر تشخیص حق و باطل در پی دارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال/۲۹)

تمام کسانی که مایلند سیر و سلوک الی الله داشته باشند و مقامات معنوی را طی کرده به مقام قرب الی الله برسند باید به آیه فوق عمل کنند. یعنی اگر تقوا پیشه کنید خداوند درک و دید و نورانی‌تی باطنی به شما می‌دهد که به فرقان می‌رسید یعنی حق و باطل را از هم تشخیص می‌دهید. آدم درست را از نادرست و برنامه صحیح را از باطل می‌توانید تفکیک کنید.

ج) خوشبخت کسانی هستند که اطاعت خدا و رسول نمایند و از خدا ترسیده، تقوا

پیشه کنند: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور/۵۲)؛ و هر کس فرمان خدا و رسول را اطاعت کند و خدا ترس و پرهیزکار باشد، چنین کسانی را پیروزی و سعادت خواهد بود.

د) رعایت تقوی سبب محبت و تقرب الهی می‌گردد: «فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (آل عمران/۷۶)؛ خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.

«إِنَّ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الْأَلْمُتَّقُونَ» (انفال/۳۴)؛ تنها متقین دوستان خدا هستند.

«وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۳۶)؛ خدا همواره با متقین است.

ذ - تقوی و توکل: یکی از شاخه‌های پرهیزگاری، توکل و سپردن امور به خداوند است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ \* الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ \* أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال/۲-۴)؛ مؤمنان حقیقی آناند که چون ذکری از خدا شود، دل‌هایشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می‌کنند. آنان که نماز را به پا می‌دارند و از هر چه روزی آنها کرده‌ایم انفاق می‌کنند. آنها به راستی و حقیقت اهل ایمانند که نزد خدا مراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو دارند.

## ۲.۵. سیمای پرهیزگاران در نهج البلاغه

امام متقین علی علیه السلام بارها در نهج البلاغه از جمله در خطبه‌های ۱۶، ۳۲، ۶۴، ۱۱۴، ۱۶۷، ۱۸۳، ۱۹۰، ۱۹۱ و... و حکمت ۹۵، ۱۳۰، ۲۰۳، ۲۴۲، ۴۱۰، .. و نامه‌های ۳۱، ۳۲، ۳۷، ۵۳، ... انسان را به ورع و پرهیزگاری دعوت می‌نماید. اوج این سخنان در خطبه ۱۹۳ مشهور به همام می‌باشد که به زیبایی و ظرافت تمام به بیان سیمای پرهیزگاران بطور ژرف و جامع می‌پردازد. امام علیه السلام می‌فرماید: «اما پرهیزکاران! در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است، چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می‌پوشانند، و گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند، و در



روزگار سختی و گشایش، حالشان یکسان است. و اگر نبود مرگی که خدا بر آنان مقدر فرموده، روح آنان حتی به اندازه بر هم زدن چشم، در بدن‌ها قرار نمی‌گرفت، از شوق دیدار بهشت، و از ترس عذاب جهنم. خدا در جان‌شان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند، بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمت‌های آن به سر می‌برند، و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند. دل‌های پرهیزکاران اندوهگین، و مردم از آزارشان در امان، تن‌هایشان لاغر، و درخواست‌هایشان اندک، و نفسشان عقیف و دامنشان پاک است. در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند: تجارتی پر سود که پروردگارشان فراهم فرموده، دنیا می‌خواست آنها را بفریبد اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آنها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند».

امام در ادامه به توصیف سپری کردن شب متقیان می‌پردازد: «پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می‌یابند. وقتی به آیه‌ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند، و با جان پر شوق در آن خیره شوند، و گمان می‌برند که نعمت‌های بهشت برابر دیدگان‌شان قرار دارد، و هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند، و گویا صدای بر هم خوردن شعله‌های آتش، در گوش‌شان طنین افکن است، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، و از خدا آزادی خود را از آتش جهنم می‌طلبند».

امام علیه السلام در ادامه به توصیف روز پرهیزکاران می‌پردازد: «پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار، و نیکوکارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده لاغر کرده است، کسی که به آنها می‌نگرد می‌پندارد که بیمارند اما آنان را بیماری نیست، و می‌گوید، مردم در اشتباهند! در صورتی که آشفتگی ظاهرشان، نشان از امری بزرگ است. از اعمال اندک خود خشنود نیستند، و اعمال زیاد خود را بسیار نمی‌شمارند. نفس خود را متهم می‌کنند، و از کردار خود ترسناکند...»

سپس امام علیه السلام نشانه‌ها و علامات تقوا پیشه‌گان را برمی‌شمارند: «در دینداری نیرومند، نرمخو و دور اندیش است، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش، با داشتن علم بردبار، در توانگری میانه رو، در عبادت فروتن، در تهیدستی آراسته، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیز کننده از طمع ورزی، می‌باشد. اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است، روز را به شب می‌رساند با سپاسگزاری، و شب را به روز می‌آورد با یاد خدا، شب می‌خوابد اما ترسان، و بر می‌خیزد شادمان، ترس برای اینکه دچار غفلت نشود، و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است...» (ر. ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

## ۲.۶. رابطه تقوا و تعقل

انسان عاقل معمولاً اهل تفکر و دوراندیش است و به عاقبت خود و خانواده‌اش می‌اندیشد. او همواره در این اندیشه است که چه کار کنیم تا به سعادت حقیقی و عاقبت بخیری برسیم. چه طور زیانهای احتمالی را از خود دور کرده، به خوشبختی واقعی نزدیک شویم. در این باره امام متقین علی علیه السلام می‌فرماید: «رَاقِبِ الْعَوَاقِبِ تَنْجُ مِنَ الْمَعَاطِبِ» (آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۴۷۶)؛ مراقبت کن پایان کار را، تا از سختی‌ها و هلاکت نجات پیدا کنی. نیز فرمود: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۵۲). عاقل‌ترین مردم، دور اندیش‌ترین آنهاست. باز می‌فرماید: «أَكْيَسَ الْكَيْسِ التَّقْوَى» (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۸). عاقل‌ترین مردم آن است که عاقبت را می‌اندیشد و زیرک‌ترین مردم هم آن است که تقوی را رعایت می‌کند. این تعبیر در قرآن کریم نیز آمده است: «فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود/۴۹).

آری انسان عاقل چون اهل حزم و دور اندیشی است و همواره به دنبال سعادت و عاقبت بخیری است و از طرفی عقل به کمک وحی ما را به رعایت تقوی دعوت می‌کند چرا که تقوی موجب عاقبت بخیری انسان در هر دو جهان می‌شود. رعایت تقوی در این دنیا باعث می‌شود که انسان ضمن رعایت تمام حدود شرعی مانند حق ناس و حق الله، تلاش

می‌کند که امور را به بهترین شکلش انجام دهد و صحیح‌ترین راه را در زندگی ببیند. از طرفی داشتن معنویت و پرهیزگاری سبب کسب سعادت حقیقی و رسیدن به بهشت و لقاء الهی در عالم دیگر می‌شود.

از طرفی بنابر مبانی و سیره عقلا، هر موضوع اجتماعی نیازمند ضمانت اجرایی دارد. دین اسلام در این باره سکوت نکرده و ضمانت اجرایی احکام و دستورات اجتماعی و حتی فردی خود را معنویت و رعایت تقوی قرار داده است. مثلاً در تمدن اسلامی، ضمانت امور اقتصادی و قضایی نیز ورع و تقوی قرار گرفته است: «ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (مائده/۱۰۸)؛ این برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند، یا بترسند که بعد از سوگند خوردنشان، سوگندهایی برگردانده شود، و از خدا پروا دارید، و [این پندها را] بشنوید، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.

با کمی تعقل در امور هستی و جهان و تدبر در آیات و روایات در می‌یابیم که زندگی انسان در این دنیا به گونه‌ای است که توان رسیدن به نهایت کمال و خوشبختی برای فرد امکان پذیر نمی‌باشد، چرا که دنیا ظرفیت وجودیش را ندارد. به عبارتی چون دنیا بازی و بازیچه است، در حالی که انسان انسان هدفمند خلق شد، او و نظام هستی باطل نیست پس عقل حکم می‌کند حقیقت زندگی به دنیا خلاصه نمی‌شود بلکه ورای آن آخرتی است و این اصل را متقین و پرهیزکاران درک می‌کنند. قرآن مجید به این حقیقت اشاره نموده و سعادت واقعی را در تمدن اسلامی به زندگی آخری، و آن را حاصل کار متقین و پرهیزکاران نموده است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انعام/۳۲)؛ و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟». این معنا در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نحل نیز به آن اشاره شده است: «وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ (۳۰) جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ

تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ (۳۱)؛ و به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: «پروردگارتان چه نازل کرد؟» می گویند: «خوبی.» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست سرای پرهیزگاران: (۳۰) بهشتهای عدن که در آن داخل می شوند رودها از زیر [درختان] آنها روان است در آنجا هر چه بخواهند برای آنان [فراهم] است. خدا این گونه پرهیزگاران را پاداش می دهد» و نیز آیه ۲۶ سوره رعد هم بر این نکته تاکید می کند.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به این نکته اشاره و می فرماید: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد» (ر. ک: بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، - <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) پس همانطور که ذکر شد، قرآن در بیان آیات الاحکام، عقاید و دستورات شرعی از تقوا و پرهیزگاری به عنوان ضمانت اجرایی آنها یاد می کند. یعنی راه حل قرآن، تقویت معیار معنویت و تقواست و هیچ تضمینی برای اجرای اعمال و کردار انسان، بالاتر از این، قابل تصور نیست.

از این نکته می توان در ساخت تمدن جهانی اسلام استفاده نمود، یعنی در تمام علوم بشری اعم از پزشکی، علوم طبیعی، مهندسی، علوم انسانی و مدیریت و... در صورتی که عالم ودانشمند، متقی و پرهیزگار باشد و دارای فطرت و وجدان الهی باشد، آن علوم در خدمت پیشرفت بشری قرار می گیرد. بنابراین نقش ایمان و تقوا در تمدن جهانی اسلام، نقشی عظیم و کلیدی و زیر بنای توسعه واقعی است و بدون آن انسان و تمدنها به سقوط کشیده می شوند.

از طرفی در تمدن عظیم اسلام، فقط به پیشرفت دنیوی توجه نشده، بلکه از عقبی و جهان آخرت یاد شده است، یعنی جزاء و تضمین تقوی و درستکاری در دنیا، پاداش و عاقبت بخیری در دو جهان در نظر گرفته شده است. و چه ضمانت اجرایی از این بالاتر قابل درک است؟.

انسان مؤمن با رعایت ورع و دستورات الهی در اعمال و کردارش، ضمن برخورداری از منافع فراوان دنیوی و اجتماعی آن، از فواید کثیر اخروی نیز بهره می‌گیرد و چه معامله‌ای پرسودتر و بهتر از این برای انسان قابل فهم و تصور است؟.

خداوند نیز در سوره شعراء که سوره‌ای مکی است، ضمن تاکید بر رعایت تقوی و اطاعت الهی در آیه ۸ عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ» (۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۷۹) استفاده می‌کند. این نکته نشان می‌دهد رعایت تقوا و معنویت امری فطری و بین ادیانی است، چرا که خداوند از همان ابتدای دعوت اسلام، مسلمین را به رعایت تقوی دعوت نموده است و تکرار آن نشان از اهمیت و ضرورت موضوع، در تمدن نوین اسلامی دارد.

بین ادیانی بودن مبحث معنویت و تقوی در آیه ۱۶ سوره عنکبوت هم مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است: «وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و یاد کن ابراهیم را وقتی که بقومش گفت خدا را عبادت کنید و تقوی را پیشه خود گردانید و این کار برای شما بهتر است اگر دانا باشید (عنکبوت / ۱۶).

### ۳. نتایج

جهت تبیین مستندات قرآنی ملاک تقوا در بیانیه گام دوم انقلاب، به بررسی معنای لغوی، آثار و فواید تقوی در قرآن و روایات و سیمای پرهیزگاران در نهج‌البلاغه پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد:

مساله ورع و تقوا در تمدن اسلام به حدی مهم است که خداوند در قرآن همراه با بیان اکثر دستورات، سخن از تقوا ذکر می‌نماید.

در قرآن کریم از تقوا به عنوان معیار ارزشها یاد می‌شود و گرامی‌ترین مردم نزد خداوند با تقوی‌ترین آنهاست.

در تعالیم اسلام فلسفه و راز بسیاری از عبادات نظیر روزه، تقوی و پرهیزگاری ذکر شده است.

رعایت تقوی، آثار فراوان مادی، آخروی و مستمر فراوانی نظیر سعادت و قرب الهی، نزول رحمت و مغفرت، بازشدن درهای آسمان و برکات زمین در پی دارد.

تشخیص حق از باطل و کسب هدایت از مهمترین فواید پرهیزگاری برشمرده شده است. سیمای پرهیزگاران در خطبه ۱۹۶ نهج البلاغه به ظرافت و جامعیت تمام ترسیم شده است. تقوی و ورع، پایه و اساس و زیربنای تمدن اسلامی و ضمانت اجرایی احکام و دستورات فردی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی و... می باشد.

در اسلام عاقل ترین انسان، پرهیزگارترین آنهاست. چرا که عقل، مؤمن را به رعایت ورع و تقوا دعوت می کند (والعاقبه للمتقین).

### فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چاپ سیزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ ش.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دار صادر.
  ۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۶۶ش). غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
  ۳. راد، علی، (۱۳۹۴). «مفسران امامیه و غرر قرآن، چیستی، رهیافت و گونه‌ها»، نشریه پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره یکم، ص ۴۸-۲۵.
  ۴. راغب، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.
  ۵. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۶. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۷۷ش). مکارم اخلاق، قم، شریف رضی.
  ۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
  ۸. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
  ۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق). کتاب العین، قم، انتشارات هجرت.
  ۱۰. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۵ش). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
  ۱۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق). بحار الانوار الجامعه لدر اخبار الائمه الاطهار، جلد ۶۷، بیروت، موسسه الوفاء.
  ۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
  ۱۳. ورام، مسعود بن عیسی، (۱۳۷۶ش). تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام)، تهران، علی اصغر حامد.